



پنج‌شنبه-۲۵ آبان ۱۴۰۲- سال هفتم- شماره ۱۷۸۴

سیاست

دریا محور

مسئولان برای تحقق سیاست‌های کلی اقتصاددریامحوربرنامه‌ریزی کنند

امام جمعه بندرعباس گفت: مسئولان باید در زمینه اقتصاد دریا محور برنامه‌ریزی کرده و منویات و دستورات رهبر معظم انقلاب را جامه عمل ببوشانند.
حجت الاسلام والمسلمین محمد عبادی‌زاده با اشاره به منویات مقام معظم رهبری در خصوص اقتصاد دریامحور و سیاست‌های کلان ابلاغی در این زمینه، اظهار داشت: رهبر معظم انقلاب بارها در خصوص ضرورت توجه به مسئله دریا و اقتصاد ناشی از آن به مسئولان تذکر داده‌اند و تاکید کردند مسئولان در صورت فعال‌سازی اقتصاد دریامحور تلاش کنند.
وی افزود: ایشان اخیرا نیز با ابلاغ سیاست‌های کلان روزنه امیدی در دل مردم به ویژه افرادی که با دریا سر و کار دارند روشن کرد، مسئولان باید در این زمینه برنامه‌ریزی کرده و منویات و دستورات رهبر معظم انقلاب را جامه عمل ببوشانند.

نماینده ولی فقیه در استان هرمزگان با اشاره به اینکه معمولا پیش‌رفته‌ترین شهرها و کشورهای دنیا شهرهای ساحلی هستند، گفت: ایران کشوری است که خوشبختانه با دریا ارتباط دارد و یک کشور دریایی محسوب می‌شود، با ابلاغ سیاست‌های رهبر معظم انقلاب در خصوص اقتصاد دریامحور امید می‌رود در آینده گام‌های بزرگی برای تحقق این امر برداشته شود.
وی تصریح کرد: تاکنون از ظرفیت سواحل آن گونه که شایسته است استفاده نشده و سواحل بی‌روح هستند، بنابراین اجرای سیاست‌های ابلاغی می‌تواند در این خصوص راهگشا باشد.

امام جمعه بندرعباس در ادامه با اشاره به تحولات منطقه به ویژه در فلسطین، به سخنرانی سید حسن نصرالله اشاره کرد و گفت: سخنرانی دیدر کل حزب الله لبنان قاطعانه و هوشمندانه ایراد شد.

وی ادامه داد: باید رژیم صهیونیستی به عنوان چنانیکار جنگی معرفی شود و از سوی دیگر نیز از ظرفیت‌های حقوقی در مجامع بین‌المللی برای این مسئله استفاده شود.

عبادی‌زاده گفت: ضربه عملیات نظامی طوفان الاقصی به رژیم غدایی ضربه‌ای مهلک بود در حال حاضر اما این رژیم در پیش چشم جهانیان در حال نسل کشی در غزه است و باید جلوی این ظلم گرفته شود.

وی همچنین در ادامه با اشاره به مبارزه موثر با مسئله قاچاق سوخت در استان و با تقدیر از تلاش‌های استاندار و اعضای شورای تأمین، دستگاه قضایی و شرکت نفت، گفت: با برخورد‌ها و سیاست‌های اتخاذ شده در زمینه سوخت، خوشبختانه شاهد کاهش جدی قاچاق سوخت در استان هستیم و صفوف پمپ بنزین‌ها نیز به آرامش رسیده و شلوغی سابق را تجربه نمی‌کند.

آغاز مسابقات جام آبی ربات‌های زیر دریایی در یزد

گام دوم مسابقات کشوری جام آبی (ربات‌های زیر دریایی) با حضور تیمهای منتخب دانشگاه‌های مختلف کشور در دانشگاه یزد آغاز شد.
دبیر مسابقات در حاشیه این مراسم با بیان اینکه گام نخست این رقابتها در اردیبهشت ماه امسال برگزار شد افزود: در این مرحله ۳۷ تیم شامل ۱۴ تیم از دانشگاه یزد، هشت تیم از دانشگاه صنعتی امیرکبیر، چهار تیم از دانشگاه صنعتی اصفهان، سه تیم از دانشگاه صنعتی شریف، ۲ تیم از دانشگاه آزاد یزد، ۲ تیم از دانشگاه تهران، ۲ تیم از دانشگاه اصفهان، یک تیم از شاهرود و یک تیم از دانشگاه علم و صنعت حضور داشتند.
محمد هادی هنروز با بیان اینکه این رقابت‌ها سه روز ادامه دارد اظهار کرد: در نهایت ۱۷ تیم شامل یک تیم از دانشگاه یزد، سه تیم از دانشگاه صنعتی امیرکبیر، یک تیم از دانشگاه صنعتی شریف و یک تیم از هر یک از دانشگاه‌های صنعتی اصفهان و صنعتی شاهرود به گام دوم که امروز در یزد آغاز شد، راه یابند.

دبیر رقابتها جام آبی دانشگاه یزد اظهار کرد: بعد از اعلام رتبه‌بندی گام های دوم، در نهایت ۶ تیم برتر به گام سوم این مسابقات که ۱۵ تا ۱۷ آذرماه در قشم برگزار می شود راه می یابند.

وی هدف از برگزاری این مسابقات را بهبود نفوذ دانش و نیز نشاط اجتماعی استان از طریق اجرای یک رویداد عمومی ترویجی به صورت مسابقه فناوریانه، تقویت برند استان یزد در زمینه رباتیک به ویژه رباتیک زیر آب و ایجاد روحیه و رویکرد فعالیت مساله محور در جوانان دانشگاهی و امیدواری به آینده موفق در این مسیر بیان کرد.

وی اضافه کرد: این رویداد مبتنی بر تعریف یک مسابقه بین ربات‌های زیردریایی در آیتمه‌های سرعت و چابکی و کنترل اتوماتیک و شامل آموزش تخصصی و کارگاه توانمندسازی تیم‌ها برگزار می شود.

جام آبی یزد یک رویداد دانش‌جویی است که از سال ۱۴۰۱ توسط دانشگاه یزد برگزار می شود، موضوع رویداد مجموعه مسابقاتی بسا محوریت ربات های متحرک بدون سرنشین زیر آب است.
این دسته ربات ها کاربردهای رو به گسترشی در صنایع مرتبط با دریا ، سد، نفت و گاز و محیط زیست دارند و نیاز به توسعه آنها رو به فزونی است.

مسابقات جام آبی تحت حمایت بنیاد ملی نخبگان و معاونت علمی ریاست جمهوری است.



حضرت آیت الله خامنه ای در دیدار دست‌اندرکاران برگزاری کنگره

بین المللی علامه طباطبائی تاکید کردند: مرحوم آقای طباطبائی توانست یک پایگاه فکری مستحکم با آرایش تهاجمی به وجود بیاورد.

متن بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار دست‌اندرکاران برگزاری کنگره بین‌المللی علامه طباطبائی که در تاریخ چهارشنبه ۱۷ آبان ۱۴۰۲ برگزار شده بود، صبح امروز در محل برگزاری همایش در قم منتشر شد.

متن کامل بیانات رهبر انقلاب به شرح ذیل است:
بسم الله الرحمن الرحيم(۱)

و الحمد لله ربّ العالمین و الصّلاة و السّلام علی سیدنا محمد و آله الطاهرين سیّما بقیّة الله فی الارضین.

خیلی خوش آمدید برادران و خواهران عزیز. من

حقیقتا و عمیقاً متشکرم از شما به خاطر اینکه این کار بزرگ را انجام دادید. یکی از بهترین کارهایی که باید این روزها انجام میگرفت و به ذهن شماها رسید، خداوند به شما الهام کرد و همت کردید و انجام دادید، همین است؛ بزرگداشت این مرد بزرگ، این شخصیت برجسته‌ی تاریخی و روحانیت اسلام.

مرحوم علامه‌ی طباطبائی از پدیده‌های کم‌نظیر حوزه‌های علمیه‌ی ما در طول زمان است؛ انصافاً

یک پدیده‌ی کم‌نظیری است. یک خصوصّیاتی در ایشان وجود دارد —حالا من به‌اجمال عرض میکنم —که همه‌ی این خصوصّیات جزو فضایل ممتاز انسانی است؛ همه‌ی این خصوصّیاتی که تشکیل دهنده‌ی شخصیتِ این مرد است، جزو فضایل ممتاز یک انسان است. این خصوصّیات مثلاً اینها است که حالا بعضی‌هایش را من نوشته‌ام: علم، پارسایی و پرهیزکاری، مَلَکات اخلاقی، دوق و هنر، صفّا و رفاقت و وفاداری و دوستی و رفاقت و مانند اینها —و بسیاری از خصوصّیات دیگری که حالا من لازم ندانستم اینجا بننمزم. مجموعه‌ی اینن خصوصّیات، تشکیل دهنده‌ی شخصیتِ این مرد بزرگ است و هر کدام از این خصوصّیات یک فضیلتی از فضایل انسانی است.

درباره‌ی علم اینن بزرگوار چند جنبه را بنده یادداشت کرده‌ام که عرض بکنم تا مورد توجه قرار بگیرد. یکی مسئله‌ی تنوّع گسترده‌ی دانشی این مرد بزرگ است؛ یعنی ایشان در تنوّع دانشی انصافاً کم‌نظیر است. در طول تاریخ، ما افرادی مثل شیخ طوسی، علامه‌ی حلی و امثال اینها را داریم که تنوّع علمی دارند، اما در زمان ما انصافاً کم است؛ یعنی بنده غیر از ایشان کسی را با این تنوع علمی نمی‌شناسم. ایشان فقیه است، اصولی است، فیلسوف است، دارای غور شدید در عرفان نظری است، عالم به هیئت و ریاضیات است، عالم برجسته‌ی تفسیر و علوم قرآنی است —که در این زمینه انصافاً ایشان بی‌نظیر است —شاعر است، ادیب است، در علم انساب، علم نسب، ایشان یک فرد ماهر و فکال است؛ یعنی از چیزهایی که مثلاً در کنار فلسفه یا عرفان آقای طباطبائی این را انسان [میتواند] نگاه کند، علم انساب است. ایشان یک جدولی دارند که خائنواده‌ی قاضی طباطبائی را معرفی میکنند؛ یک جدول تاریخی است که به نظر من یک اثر هنری درجه یک است که چاپ شده و در اختیار افراد هست. مرحوم والد ما که با آقای طباطبائی از فضایل رفیق بودند، دوست بودند —خود پدرم برای من نقل کردند این را —ایشان به آقای طباطبائی مینویسد که شما ترتیب شجره‌نامه‌ی ما را از فلان کس —یک آقای معروفی در قم —بهرسید بگیرید برای من بفرستید؛ آقای طباطبائی در جواب مینویسد که خود من به قدر ایشان میدانم یا بیشتر از ایشان میدانم؛ یکی از این دو عبارت است که حالا من یادم نیست، و ایشان شجره‌نامه‌ی ما را تنظیم کرده و فرستاده؛ یعنی این شجره‌نامه‌ی که الان در اختیار ما هست، تنظیم‌شده‌ی آقای طباطبائی است. یعنی انسان یک تنوّع علمی عجیبی در ایشان مشاهده میکند. حالا مثلاً گفتم ریاضیات و هیئت، میدانید — یعنی شاید معروف است — که نقشه‌ی مدرسه حجتیه‌ی فعلی را ایشان کشیده؛ یعنی یک معمار با تنوّع علمی یک جنبه‌ی خاصّی از جنبه‌ی علمی آقای

یک جنبه‌ی دیگر، عمق علمی و فکری ایشان است. ایشان در همین علومی که حالا ما میدانیم و

اطّلاع داریم، عمق [زیادی دارند]. اوّلًا در اصول صاحب‌مبنا است. حالا من در فقه از ایشان اثری ندیدم، اما ایشان در اصول کاملاً صاحب‌مبنا است؛ یعنی حاشیه‌ی کفایه‌ی(۲) ایشان [این را] نشان میدهد. در فلسفه یک فیلسوف نو‌آور است؛ ایشان دستگاه فلسفی جدیدی را ارائه میکند که مظهرش همان اصول فلسفه و روش رئالیسم است، و بعد هم این دو کتابی که اخیراً(۳) ایشان نوشتند و منتشر کردند: بدایه(۴) و نهایه(۵) در تفسیر، به نظر من یک مفسّر شگفتی‌ساز است؛ یعنی کسی تفسیر المیزان را نگاه کند، [میفهمد که] تفسیر المیزان به معنای واقعی کلمه یک تفسیر شگفت‌آور است، از لحاظ کثرت و تنوّع و عمق مطالب که حالا من بعداً یک اشاره‌ای به این خواهم کرد. این هم یک جنبه که مسئله‌ی عمق علمی و فکری ایشان است.

یک جنبه‌ی دیگر علمی این بزرگوار، مسئله‌ی شاگرد‌پروری است. این شاگرد‌پروری مرحوم آقای طباطبائی چیز عجیبی است. این یکی از هنرهای هر عالمی است؛ در بین علما داریم کسانی که شاگرد‌پرورند و شاگرد‌های زیادی دارند؛ مرحوم آقای طباطبائی از این قبیل آدمها است. در بین این فلاسفه‌ی دوره‌ی اخیر فلسفه در ایران — که مرکز فلسفه‌ی کشور هم در واقع تهران بوده — از دوره‌ی مرحوم ملا عبدالله زنوزی و پسر ایشان، آقا علی حکیم، بعد مرحوم میرزای جلوه، میرزا اسدالله قمشه‌ای، اینهایی که برجستگان حکمت و عرفاند که عمداً در تهران متمرکز بودند و بخشی هم در جاهای دیگر، مثل مرحوم حاجی سبزواری در سبزواری، یکی دو نفر در قم، یکی دو نفر در اصفهان، یکی دو نفر در مشهد — که اینها برجستگان فلسفه‌اند — هیچ کدام از اینها به قدر مرحوم آقای طباطبائی شاگرد برجسته‌ی معروف فیلسوف ندارند. بلکه، مثلاً حاجی سبزواری شاگردان زیادی دارد که می‌آمدند پیش ایشان درس میخواندند؛ مرحوم آخوند خراسانی هم شاگرد ایشان است، لکن آخوند خراسانی فیلسوف نیست، فقهیی است که یک مقدار فلسفه خوانده. تربیت شاگرد فیلسوف مثل شهید مطهری، مثل شهید بهشتی، مثل مرحوم آقای مصباح و دیگران، و مثل بعضی از بزرگانی که امروز هستند، تربیت امثال اینها را به تعدادی که از درس مرحوم آقای طباطبائی استفاده کردند، بنده هیچ سراغ ندارم در هیچ کس دیگری؛ مسئله‌ی شاگرد‌پروری. تا فلاسفه‌ی بعدی زمان ما که در تهران کسانی بودند [مثل] مرحوم امیرزا احمد آشتیانی، قبل از ایشان مرحوم امیرزا مهدی آشتیانی، یسا مرحوم آقای آملی(۶) (رضوان الله علیهم)، خب اینها فیلسوف بودند، منتها تربیت شاگرد از اینها به قدر آقای طباطبائی معهود(۷) نیست؛ ایشان زنده کرد فلسفه را و انصافاً فیلسوف‌سازی کرد.

حالا این نکته هم جالب است که شاگردان ایشان —یعنی بسیاری از شاگردان ایشان —حالا جزو نقش‌آفرینان در انقلاب اسلامی‌اند. در این مجلس خبرگانی که قانون اساسی را نوشت، تعداد زیادی از آن افراد شاگرد‌های مرحوم آقای طباطبائی هستند؛ چه در مجلس خبرگان، چه قبل از مجلس خبرگان در آن جمعی که قانون اساسی نوشته میشد که مرحوم آقای مطهری هم جزو آنها بود، اینها شاگرد‌های مرحوم آقای طباطبائی هستند. و تعدادی از شهدای بنام انقلاب اسلامی از شاگرد‌های آقای طباطبائی‌اند؛ شهید مطهری شاگرد ایشان است، شهید بهشتی شاگرد ایشان است، شهید قذّوسی شاگرد ایشان است، شهید آشیخ علی حیدری نهاوندی شاگرد ایشان است؛ از این قبیل شهدای برجسته شاگرد‌های آقای طباطبائی (رضوان الله علیهم) هستند، بعضی هم بحمدالله در قید حیاتند که منشأ افادات زیادی هستند.

یک خصوصّیت دیگر ایشان در مورد مسئله‌ی علم این است که آثار ایشان در زمان حیات ایشان منتشر شد و برکات آثار ایشان در زمان حیاتش دیده شد. خود مرحوم آقای طباطبائی این قدر مطرح نبود که المیزان مطرح بود یا فرض بفرمایید که آن کتابهای حکمی ایشان مطرح بود؛ یعنی خود ایشان مطلقاً اهل تظاهر نبود، اما کتابهای ایشان اصلاً همه جا [مطرح بود]؛ المیزان ایشان، اصول فلسفهی ایشان، بدایه و نهایه‌ی ایشان، شیعه در اسلام ایشان، قرآن در اسلام ایشان، رسائل متعدّد توحیدی و غیره در زمان حیات ایشان منتشر شد. بنابراین، جنبه‌ی علمی مرحوم آقای طباطبائی

یک خصوصّیات منحصر‌به‌فردی دارد که عرض کردیم.

درباره‌ی خصوصّیت پارسایی و پرهیزکاری و تعبد و ارادت ایشان به اهل‌بیت و این خصوصّیات این جوری — که خب زیاد گفته‌اند و شنیده‌ایم — خیلی متوجه خودش میکند و جذب میکند؛ یک ایشان فوق‌العاده بود و واقعاً در این زمینه‌ها هم یک انسان برجسته و فوق‌العاده‌ای بود، واقعاً پارسا و پرهیزکار بود. لکن دو خصوصّیت از برجستگی‌های مرحوم آقای طباطبائی بنده را خیلی متوجه خودش میکند و جذب میکند؛ یک خصوصّیت، جهاد فکری کم‌نظیر آقای طباطبائی در بحبوحه‌ی تهاجم اندیشه‌های وارداتی و بیگانه است، در بحبوحه‌ی تهاجم به معنای واقعی کلمه. شاید آن کسانی که آن زمانها را درک نکرده‌اند، توجه نداشته باشند که آن روز در محیط جوان کشور و محیط فکری کشور چه وضعیتی وجود داشت؛ یک تهاجم به معنای واقعی کلمه وجود داشت؛ چه افکار وارداتی مکتبی و مسلکی مثل مارکسیسم، چه شبهه‌آفرینی‌ها؛ شبهه‌آفرینی‌هایی که این [جور] نبود که یک مکتب را بخواهند ارائه بکنند، [بلکه] شبهه درست میکردند؛ همین کاری که مرحوم آقای مطهری (رضوان الله علیه) کمر به مقابله‌ی با آن بسته بود که کتابهای ایشان غالباً مواجهه‌ی با شبهات مطرح آن روزگار است. در

بحبوحه‌ی این حوادث، مرحوم آقای طباطبائی (رضوان الله تعالی علیه) توانست یک پایگاه فکری مستحکم با آرایش تهاجمی به وجود بیاورد؛ یعنی آن کسانی که با افکار ایشان آشنا میشدند، موضعشان در مقابل مارکسیسم و در مقابل افکار گوناگون موضع تدافعی نبود، موضع تهاجمی بود که یک نمونه‌اش همین کتابهای آقای مطهری (رضوان الله علیه) است که مشاهده میکنید. اینن پایگاه فکری را آقای طباطبائی وجود آورد؛ هم با اصول فلسفه و هم با بیانات تفسیری که این تفسیر، دریایی از معارف سیاسی و اجتماعی است؛ غیر از مسائل معرفتی و مبانی فکری و حکمی و امثال اینها و آن جنبه‌های خاصّ تفسیری که تبیین آیات است — که خب این کتاب در این زمینه‌ها کم‌نظیر است — این کتاب المیزان سرشار است از مسائل سیاسی و اجتماعی که آن زمان اصلاً این مسائل مطرح نبود، [اما] امروز که انسان به این مسائل نگاه میکند، میبیند اینها امروز هم مسائل روز ما است؛ اینها در اختیار افراد قرار میگرفت. این پایگاه فکری تهاجمی را مرحوم آقای طباطبائی به وجود آورد؛ این، آن کاری است که به نظر من ما‌ها باید این کار را از آقای طباطبائی یاد بگیریم: تشکیل پایگاه‌های فکری پُرکننده‌ی خلأ‌ها و دارای جنبه‌ی تهاجم، نه موضع انفعالی و تدافعی. این، یک خصوصّیت که برای من خیلی جذّاب است.

خصوصّیت دوم ایشان که آن هم به نظر من خیلی خصوصّیت برجسته و مهمّی است، این است که ایشان در عرصه‌ی معارف توحیدی و مفاهیم عرشی‌ای که به آنها در فکر رسیده بود، صرفاً به زایش فکری بسنده نکرد؛ در نقّس شریف خودش و قلب شریف خودش به آن حقایق و معارف متحقّق شد. عمل کرد به آنچه میدانست، به معنای واقعی کلمه، مرحوم آقای طباطبائی مصداق این آیه‌ی شریفه است: اَلِیهِ یَصْعَدُ الْکَلِمُ الطَّیِّبُ وَ الْعَمَلُ الصَّالِحُ یَرْفَعُهٗ (۸) «آن کَلِم طَیِّب» در وجود ایشان به معنای واقعی کلمه متحقّق شد. این خصوصّیات اخلاقی‌ای که از ایشان معروف است، تواضع فوق‌العاده، بی‌هوائی، اینها همه ناشی از آن معنا است. این جلم ایشان، این تواضع ایشان ناشی از تحقّق همان معانی و معارف عالیه در نقّس خود ایشان است. خودش را تربیت کرد، خودش را از این مدارج عالی انسانی و معرفتی توانست بالا بکشد و بالا برود؛ لذا بود که در بین مردم بود، ولیکن با خدا بود. واقعاً انسان در برخورد با ایشان احساس میکرد هیچ شخصیتی برای خودش کانه قائل نبود. حلیم بود، برخوردش بر خورد نرم بود. حتّی با کسانی که با ایشان مواجهه میکردند و مناصحه میکردند، بسا حلم و بردباری برخورد میکرد و از آنها گذشتت میکرد. ایشان بشدّت متواضع بود که گاهی اوقات تواضع ایشان مایه‌ی تعجّب بود. بنده یک خاطره‌ای را به آقایان عرض بکنم. مرحوم علامه‌ی سمنانی(۹) (رضوان الله علیه) یک ملای معمری(۱۰) بود ساکن سمنان، مرد موجه معروفی بود؛ ایشان آمدند قم، علما میرفتند دیدن ایشان و رفت‌وآمد در منزل ایشان

رهبر انقلاب در دیدار دست‌اندر کاران برگزاری کنگره

بین المللی علامه طباطبائی:

نیاز امروز ما پایگاه

فکری مستحکم با آرایش

تهاجمی است

زیاد بود. یک روز من در حجره نشسته بودم، یکی از دوستان ما که ارادتند به آقای طباطبائی بود و عاشق آقای طباطبائی بود، با هیجان وارد حجره شد و گفت «به خُسن خُلُق و وفا کس به یار ما نرسد»؛(۱۱) گفتم قضیه چیست، گفت منزل علامه‌ی سمنانی بودیم، آقای خمینی هم بود، آقای طباطبائی هم بود، بعضی دیگر از آقایان هم بودند؛ آقای علامه‌ی سمنانی رو کرد به آقای خمینی گفت که آقا! این تفسیر المیزان شما را ما مشاهده کردیم، خیلی خوب بود، خیلی عالی بود، واقعاً لذّت بردیم و شروع کرد تعریف از تفسیر المیزان، به خیالی که ایشان آقای طباطبائی است. آقای خمینی هم آدمی نبود که در این قضایا دستپاچه بشود، ساکت نشسته بود و حرفی نمیزد. آقای طباطبائی این طرف نشسته بسود، رو کرد به آقای علامه‌ی سمنانی، گفت آقا! طباطبائی بنده هستم، ایشان استاد من آقای خمینی است. گفت «به خُسن خُلُق و وفا کس به یار ما نرسد»؛ یعنی به این خصوص تحت تأثیر قرار گرفته بود.

مرحوم آقای طباطبائی با همه‌ی این خصوصّیات معنوی و علمی و سلوکی و این چیزهایی که خب دیگر حالا‌ها تقریباً همه در [مورد] ایشان میدانند، از لحاظ برخورد شخصیتی و رفاقتی یک انسان دلنشین و دلچسپ بود؛ جلسه‌ی شیرینی داشت، زبان شیرینی داشت، خوش صحبت بود، خوش تعریف بود. در جلسات آنس،(۱۲) یک آدمی بود که آن حالت سکوتی که انسان در جلسات عمومی و بحثی و درسی و مانند اینها از ایشان میدید، آن خصوصّیات در ایشان نبود؛ گرم، گیرا، شیرین و خوش صحبت بود؛ یک قضیه‌ای را که ایشان نقل میکرد، با رنگ و لعاب و تفصیلات (همراه بود). یک شخصیتی این جوری [بود]؛ یک شخصیت جامع، باذوق، اهل شعر، اهل ادبیات و جامع خصوصّیاتی که یک انسان برجسته و والا میتواند داشته باشد.

به نظر من این دو خصوصّیتی را که عرض کردم، یکی مسئله‌ی پُر کردن خلأ، یکی متحقّق شدن به معارفی که انسان بلد است — «و افنّذُ العارفین منک فازعاً»؛(۱۳) دانستن عرفان غیر از «افنّذُ العارفین منک فازعاً» است؛ اینها، دو مقوله است — باید دنبال کنیم؛ همه‌ی ما باید این دو خصوصّیت را دنبال کنیم. بیشتر از این هم آقای بایستی می‌بخشد...

امیدواریم ان‌شاءالله خدای متعال درجات ایشان را عالی کند، ما را جزو قدردان‌های ایشان قرار بدهد. و بحمدالله برکات الهی درباره‌ی ایشان جاری شود. امروز آقای طباطبائی بمراتب شناخته‌شده‌تر از زمان حیاتش است. زمان حیاتشان شاید یک‌دهم حالا هم شناخته‌شده نبودند؛ حالا بحمدالله ایشان در سطح کشور، در مجامع علمی، در سطح دنیا، تا حدود زیادی شناخته‌شده هستند، و بیشتر از این هم آقای طباطبائی شناخته خواهد شد ان‌شاءالله.

والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته (۱) در ابتدای این دیدار، حجت‌الاسلام والمسلمین غلامرضا قاضی (رئیس هیئت‌مدیره‌ی مجمع علمی جامعه اسلامی و رئیس کنگره)، حجت‌الاسلام والمسلمین حمید پارسانیا (عضو هیئت‌مدیره‌ی مجمع عالی حکمت اسلامی و دبیر علمی کنگره) و آقای محمّدباقر خراسانی (مدیر اجرایی مجمع عالی حکمت اسلامی و دبیر اجرایی کنگره) گزارشهای ارائه کردند.

۲. حاشیه‌ی کفایه

۳. [اواخر عمر

۴. بدایه‌ی الحکمه

۵. نهایه‌ی الحکمه

۶. آیت‌الله محمّدتقی آملی

۷. [متداول، معمول

۸. سوری فاطر، بخشی از آیه‌ی ۱۰: «... سخنان پاکیزه به سوی او بالا می‌رود، و کار شایسته به آن رفعت می‌بخشد...»

۹. آیت‌الله محمّدصالح حائری مازندرانی (معروف به علامه‌ی سمنانی)

۱۰. سالخورده، پیر

۱۱. حافظ. دیوان اشعار، غزلیات، «به خُسن خُلُق

و وفا کس به یار ما نرسد / تو را در این سخن انکار کار ما نرسد»

۱۲. دوستانه

۱۳. کامل الزّیارات، ص ۴۰ (زیارت امین‌الله)؛ «و دلهای عارفین از تو بیمناک گشته.»